

تولید نرم افزارهای کتابخانه‌ای: جذاب و پر مشکل

گفتگو با پدیدآورندگان نرم افزار کتابخانه‌ای پارس آذرخش

● بوران یزدانی

مورد استفاده قرار گیرد، افتادید.

● یکی از مراکزی که حجم زیادی از اطلاعات در آن ذخیره می‌شود کتابخانه‌ها و مراکز اسناد هستند و نیاز به مکانیزه کردن این سیستم‌ها همیشه بوده و چون حجم اطلاعات هرچه بالاتر می‌رود، امکان دسترسی به اطلاعات مشکل‌تر می‌شود، هم از لحاظ سرعت و هم از لحاظ دقت، ویژگی که کامپیوتر دارد اطلاعات را با سرعت و دقت در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهد. به خصوص با وضعی که CDS داشت و با امکان سرچی که داشت ما می‌توانستیم روی پرینت‌های مختلف — سازی کنیم و به سرعت قابلیت بازیابی به آنها دهیم و از لحاظ حجم رکورد هم محدودیتی وجود نداشت یعنی ۱۶ میلیون رکورد را می‌توانست CDS ذخیره کند که ما بعدها تغییر دادیم این ساختار را و تا چندین میلیارد هم می‌توانیم ذخیره و بازیابی کنیم ولی رسیدن به آن ارقام دور از دسترس است و بیشترین اطلاعاتی که تاکنون در

فارسی‌سازی روی این نرم افزار وجود داشت ولی بعد از یکی، دو سال CDS نسخه جدید نرم افزار را ارائه کرد که روی آن نرم افزار می‌شد اطلاعات فارسی را هم ذخیره و بازیابی کرد. نرم افزار CDS خصوصیات خیلی خوبی داشت یعنی از لحاظ حجم که رکورد بالایی را می‌پذیرفت و حجم هر رکورد وسیع بود و حجم اطلاعاتی بالایی را می‌پذیرفت و سرچ خیلی قوی داشت یعنی امکان جستجو در تمام کتاب وجود داشت به صورت کلمه‌ای، کلید واژه‌ای و یا به صورت کلی و به سرعت این کار را انجام می‌داد. از این نظر به سرعت در کتابخانه‌ها جا افتاد و اکثر کتابخانه‌ها آهسته، آهسته شروع کردند به استفاده از سیستم CDSicis.

○ آیا تا قبل از سال ۶۸ کتابخانه‌هایی مثل شرکت نفت یا دانشگاه امیرکبیر اقداماتی در جهت مکانیزه کردن اطلاعات خود کرده بودند؟ و در مورد تاریخچه CDS و زمان تدوین آن توضیحاتی بفرمایید.

● CDS در سال ۱۹۷۱ میلادی به وسیله یونسکو طراحی شد و در اختیار اعضا قرار گرفت، که بعد از آن ویرایش‌های مختلفی را در جهت تکامل این سیستم ارائه کردند که آخرین ویرایش آن هم در ایران مورد استفاده قرار گرفت هم روی PC و هم روی — از لحاظ کار کامپیوتری در کتابخانه‌های دیگر به صورت جسته و گریخته کار انجام می‌شد ولی تحت سیستم‌های — بود و روی PC نبود و اگر هم روی PC بود به صورت ناشناخته و مخصوص مرکز خودشان بود و به صورت عمومی عرضه نشده بود.

○ چه طور شد به فکر ارائه یک نرم افزار جامع که بتواند عرضه شود و در کتابخانه‌ها و آرشیوهای مختلف

○ با تشکر از اینکه این وقت را در اختیار کتاب ماه ویژه کلیات قرار دادید. من ابتدا می‌خواهم سؤال کنم درباره تکوین این نرم افزار و سابقه و تاریخچه‌ای که نرم افزاری که الان در کتابخانه‌ها مورد استفاده می‌باشد به نام پارس آذرخش.

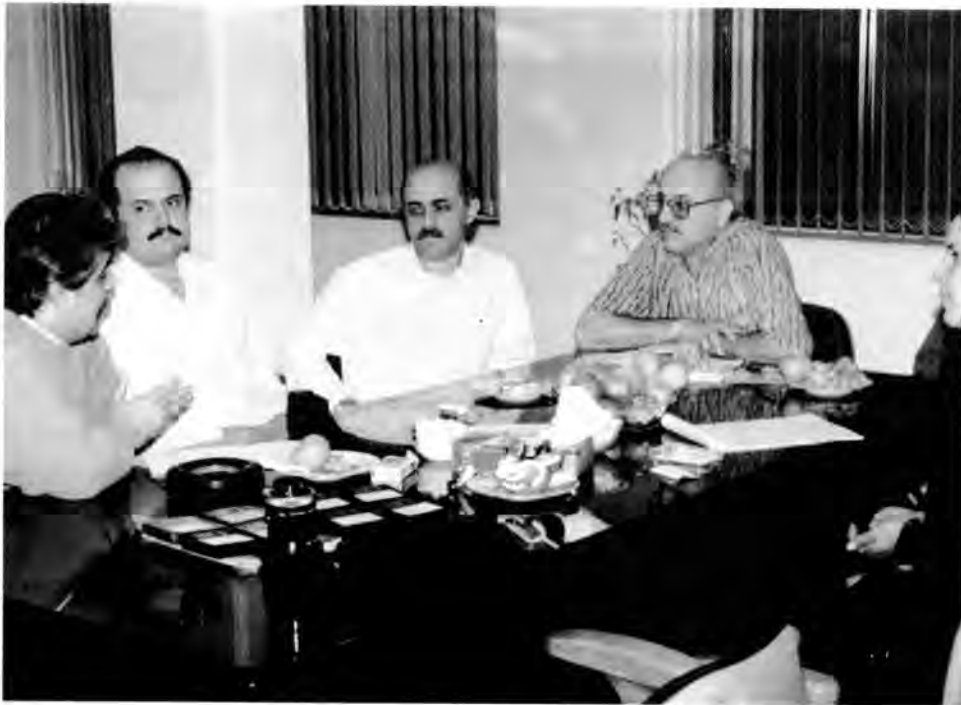
● کتابخانه‌ها تا سال ۶۸ هیچکدام کامپیوتر نداشتند و می‌توانیم بگوییم کامپیوتر کلاً سال ۶۵ وارد ایران شد و تا سال ۶۸ به کتابخانه‌ها راهی پیدا نکرده بود و کتابدارها یا کامپیوتری کردن اطلاعات آشنایی نداشتند. در سال ۶۸ چند مرکز دولتی تصمیم گرفتند اطلاعات را به صورت کامپیوتری ذخیره کنند تا بتوانند به صورتی که نیاز دارند این اطلاعات را بازیابی کنند. در آن موقع اولین نرم افزاری که مطرح شد در این زمینه یکی نرم افزار CDSicis بود که یونسکو برای ذخیره و بازیابی اطلاعات ذخیره کرده بود و در اختیار کشورهای عضو قرار می‌داد، به خصوص کشورهای که از لحاظ مادی فقیر بودند که می‌توانیم بگوییم کشورهای جهان سوم که ایران هم از این قصبه مستثنی نبود.

این برنامه سال ۶۸ وارد ایران شد بعد از مدتی PC هم وارد ایران شد که می‌توانیم بگوییم سازمان پژوهش‌ها این کار را انجام داد. مرکز اسناد آموزش عالی هم متولی پیاده‌سازی بانکهای اطلاعاتی روی این نرم افزار شد و دوره‌های کتابداری در ارتباط با همین نرم افزار CDS برگزار شد و کتابدارها آهسته آهسته با ذخیره و بازیابی اطلاعات روی کامپیوتر آشنا شدند. تعدادی از کارشناسان شرکت هم در آن مرکز مشغول کار بودند و با این نرم افزار آشنا شدند و شروع به کار کردند و اطلاعات لاتین را روی CDS ذخیره می‌کردند و اطلاعات فارسی را روی نرم افزار پارس بروک که امکان

نرم افزار ما زده‌اند صد و پنجاه، شصت هزار رکورد می‌باشد.

○ هنگامی که شما به فکر این کار افتادید، این کار را براساس سفارش جایی انجام دادید یا اینکه ابتدا به ساکن یا ابتکار خودتان شروع به این کار کردید؟

● نه ما چون نیازش را احساس کردیم بدون اینکه از جایی پشتیبانی شویم این کار را شروع کردیم، البته کتابدارها با ما همکاری می‌کردند و ما را تشویق می‌کردند که این کار را انجام دهیم و ما هم از آنها استفاده کردیم و کمک گرفتیم ولی از لحاظ مادی خیر، و می‌توانیم بگوییم به مدت یک سال روی این برنامه کار



می‌کردیم بدون آنکه از جایی پشتیبانی شویم و یا اینکه امید داشته باشیم که آیا این کار می‌شود یا خیر؟ ولی خوب می‌دانستیم بالاخره این کار جا می‌افتد و به سراغ این برنامه می‌آیند چون احساس می‌کردیم مورد نیاز کتابخانه‌ها می‌باشد.

○ آیا تصور اولیه شما با آن چیزی که در واقعیت بعدها رخ داد از لحاظ میزان استقبال و یا استفاده از نرم‌افزار تطابق داشت؟ یعنی فکر می‌کردید اینقدر مورد توجه قرار بگیرد؟

● خوب بالاخره هرکسی وقتی کاری را شروع می‌کند، امیدوار است که در آن کار موفق شود ما هم این احساس را داشتیم ولی خوب به این هم فکر می‌کردیم که شاید موفق نشویم ولی می‌دانستیم بالاخره موفق خواهیم شد و از این برنامه استقبال خواهد شد.

○ الان نرم‌افزار شما به عنوان یک نرم‌افزار موفق در کتابخانه‌ها و آرشیوها مورد استفاده قرار می‌گیرد. زمانی که اقدام به این کار کردید و شروع به تدوین این کار کردید، آیا رقبایی هم داشتید؟

● بله. شرکت دیگری بود که نرم‌افزاری مشابه کار ما را انجام داده بود و سیستمش را با CDS سازگار کرده بود. که هنوز هم فعالیت در این زمینه دارند و می‌توان گفت رقیب اصلی ما به حساب می‌آیند.

○ از زمانی که شما عملاً شروع به تدوین این نرم‌افزار کردید تا زمانی که اولین نسخه را در جایی به عنوان مشتری عرضه کردید و مورد استفاده قرار گرفت چقدر طول کشید؟ دقیقاً ۹ ماه.

○ آیا از همان ابتدای کار تصویری از میزان مشکلات و نوع مشکلاتی که شما بعدها با آن برخورد کردید داشتید؟

● خیر. ما فکر می‌کردیم، یک زمانی را روی این برنامه می‌گذاریم و برنامه تدوین می‌شود و بعد سراغ برنامه دیگری می‌رویم ولی تا به امروز که اینجا نشستیم هنوز روی تواناییهای برنامه کار می‌کنیم و سعی می‌کنیم این تواناییها را ارتقا دهیم و چون نکات نرم‌افزار و سخت‌افزار هر روز در دنیا تغییر می‌کند، نکات سخت‌افزاری زیاد می‌شود از لحاظ سرعت، از لحاظ حجم حافظه و از طرف دیگر هم حجم برنامه‌ها زیاد می‌شود. یعنی نکات نرم‌افزاری، خصوصاً اینکه مردم با

نرم‌افزارهای مختلف آشنا می‌شوند و توقع دارند از هر نرم‌افزاری که همه تواناییها را داشته باشد و می‌خواهند همه تواناییها در یک نرم‌افزار جمع شود و باید سلیقه مشتریها را در نظر گرفت و این باعث می‌شود کار ما بیشتر شود، نسبت به قبل.

○ تا الان چند ویرایش از کار شما عرضه شده است؟

● به جهت اینکه ما دائماً روی نرم‌افزار کار می‌کنیم و نتیجه کارمان جهت ارائه در پایان یک فصل و یا یک دوره و یا یک سال نگهداری نمی‌کنیم، لذا به طور کلی نمی‌توانیم بگوییم چه ویرایش‌هایی را داشته‌ایم. خاصیت و ماهیت نرم‌افزار کار مداوم را می‌طلبد و مثل اغلب شرکت‌ها اگر اینها را نگه داریم می‌توانیم بگوییم چند ویرایش داریم ولی یک سال استفاده‌کننده را از آن امکانات جدید بی‌بهره کرده‌ایم ولی مجموعاً می‌توان گفت ویرایش ششم.

○ نگاه شما به این قضیه اساساً چگونه است؟ یعنی معتقد هستید به اینکه یک کار را باید کامل کرد و ارائه داد؟ یا اینکه به تدریج در حین استفاده باید این امکانات اضافه شود یا نواقص رفع شود. البته آنچه من از نرم‌افزار شما تجربه کرده‌ام و استنباطی که دارم نظر دوم هست یعنی رفع نواقص و تکامل کار در حین استفاده.

● به طور کلی هر دورا ما با هم داریم. ما گزینه‌ای به ذهنمان می‌رسد و یا پیشنهادی می‌شود و یا امکانی از یک استفاده‌کننده، به ما می‌رسد که نیاز دارد و در سیستم اعمال می‌کنیم و پیرو آن می‌بینیم که چند تا گزینه دیگر هم باید اضافه کنیم و به طور کلی اصلاحات را هم در ضمن کار هم داریم. حیات یک نرم‌افزار، به آن کاری که روی آن انجام می‌شود تا آن مدت زمانی که کار رویش انجام می‌شود بستگی دارد. ما برای اینکه نرم‌افزارمان زنده بماند دائماً روی آن کار می‌کنیم، امکانات اضافه می‌کنیم، امکانات قبلی را بهینه و روان تر و راحت می‌کنیم. من سؤال شما را تکمیل تر می‌کنم. این کار چون کار جدید و نوعی در سطح کشور بود، هم برای ما و هم برای کتابداران ناآشنا بود و هم نرم‌افزار مقوله جدیدی بود. ما کلاً با همدیگر همه تکامل پیدا کردیم. یعنی چیزی به ذهن کتابدار می‌رسید به ما می‌گفت و ما همان را اعمال می‌کردیم و همان را ارائه می‌دادیم به تمام کسانی که استفاده می‌کردند. چون دائم ما با کتابداران در ارتباط بودیم و آنها مسائلمان را مطرح می‌کردند و چون ما هم از دانش کتابداری بی‌اطلاع بودیم، اجباراً سریع اینها را آماده می‌کردیم و روی نرم‌افزار اعمال می‌کردیم و ارائه می‌دادیم و کم‌کم این نرم‌افزار تکامل پیدا کرد و اگر این شیوه را پیش نمی‌گرفتیم این نرم‌افزار با مشکل مواجه می‌شد. یعنی یک توقعاتی کتابدار داشت که باید توقعاتش را ثبت می‌کرد و یک سال صبر می‌کرد تا بتواند به آن دسترسی پیدا کند، لذا ما هر کاری که انجام می‌دادیم فوراً به کتابخانه‌ها منتقل می‌کردیم و همانجا

تست می‌شد، با آن کار می‌کردند و اگر ایرادی داشت مطرح و رفع می‌شد و به همین منوال کار را ادامه دادیم تا به امروز.

○ آیا شما تجربه کار در حوزه دیگری غیر از کتابداری و آرشیو دارید و اگر هست می‌توانید مقایسه‌ای انجام بدهید بین نرم‌افزارهای کتابداری با نرم‌افزارهای غیرکتابداری.

● ما چون تنها شرکتی هستیم که نرم‌افزار خاص کتابداری داریم و کار دیگری انجام نمی‌دهیم، تجربه خاصی در زمینه‌های دیگر نداریم. فکر کنم اگر کسی بخواهد برنامه‌ای را طراحی کند باید کلاً با آن کار آشنایی کامل داشته باشد، یعنی اگر ما بخواهیم برنامه‌ای در رابطه با حسابداری بریزیم باید حسابدار خوبی باشیم. یعنی یک حسابدار مجرب و خبیره. چون ممکن است در حسابداری معمولی مواردی پیش بیاید که بتوانیم به صورت استثنا آن را رد کنیم ولی در کامپیوتر دیگر این حسابها نیست و ما باید دقیقاً به دنبال استثناها بگردیم، چون همان استثنا ممکن است بعدها مشکلی برایمان بوجود بیاورد. از این نظر کاری را که می‌خواهیم انجام دهیم باید دقیقاً با آن آشنا باشیم. ما چون کار کتاب را شروع کردیم، همان کار را ادامه دادیم و احساس کردیم باید کار شود و هرچقدر کار شود باز هم کم است. در حال حاضر مدت ۱۰ سالی است که کار می‌کنیم با توجه به اینکه کارشناسانمان اضافه شده‌اند، احساس می‌کنیم تا چند سال آینده همچنان کار داریم و با این حجم کار دیگر نمی‌توانیم فکرش را کنیم که سراغ رشته و برنامه دیگری برویم و آنها مقولات جداست که بعضی از شرکت‌ها به اشتباه این کار را می‌کنند در سطح وسیع و با عمق کم. ما می‌گوییم این روزها در دنیا همه کارها تخصصی شده است، علم پزشکی روزگاری یک علم بود ولی الان هر قسمت از پزشکی تخصص خودش را پیدا کرده و کامپیوتر هم به همین شکل. ما احساس می‌کنیم وسعت کار زیاد شده و هرکس باید در شاخه کاری به طور تخصصی کار کند تا



کار مایه دار و با ارزش شود و با این احساس ما هیچوقت فکر نمی‌کنیم که روی برنامه دیگری کار کنیم و به نظر می‌آید تا آخر روی برنامه کتاب فعالیت کنیم.

○ مطلع هستید در سطح دنیا فورمت‌های بین‌المللی یا استاندارد از سالها پیش فکرش بوده و یا کارهایی هم انجام شده، آخرین کاری هم که الان در حال حاضر در سطح دنیا مطرح هست در واقع فورمتی هست موسوم به یونیماک. بحث یونیماک هم به خاطر عمدتاً انتقال اطلاعات است در دنیای امروز، که از برنامه‌های جنبی ایفلاست و در ارتباط با برنامه کنترل کتابشناختی جهانی UBC چقدر شما کارتان را سعی کردید به فورمت استاندارد بین‌المللی نزدیک بکنید تا اهداف انتقال اطلاعات بین کشورهای مختلف بشود از طریق این نرم‌افزار اعمال شود؟

● ما به نظرم با آن استاندارد فاصله داریم. به طور کلی در ایران استانداردسازی با مشکل انجام می‌شود

یعنی به نظر ما استاندارد را یک شرکت نمی‌تواند تدوین کند. استاندارد کار یک تشکیلات است و تشکیلات این کار هم به نظر ما باید دولتی باشد که می‌تواند کتابخانه ملی در رأس آن باشد، مراکز اطلاع‌رسانی دیگر هم می‌توانند کمک کنند و این استاندارد را تدوین کنند و ما هم دنباله‌رو آنها باشیم و از این استانداردها استفاده کنیم. که متأسفانه با توجه به ناآکیداتی که ما در این زمینه داشتیم این کار انجام نشد ولی جدیداً شنیده‌ام در کتابخانه ملی با استفاده از اساتید این کار در حال انجام است روی مارک که ما بعدها وقتی نتیجه این کار بیرون بیاید صد درصد از آن استفاده می‌کنیم. چون پی گیر بودیم و با مسوولین خیلی در این زمینه صحبت کردیم. به خاطر اینکه مشکل ما کمتر می‌شود، ما احساس می‌کردیم خلایق در اینجا وجود دارد و ارتباط ما را با خارج و اغلب با برنامه‌های داخلی دچار مشکل می‌کند و ما اگر همچنین استاندارد نداشته باشیم و از آن پیروی نکنیم ارتباط بین برنامه‌ها با مشکل و سختی و گاهی اوقات می‌توانیم بگوییم غیرممکن است. ما منتظر آنها هستیم و خودمان نمی‌توانیم استانداردسازی کنیم و اگر این کار را انجام دهیم این احساس را داریم که مورد تأیید قرار نمی‌گیرد به علت اینکه یک شرکت خصوصی هستیم و همیشه زیر سؤال هستیم و بالاخره امکان دارد از هر جای آن ایرادی گرفته شود و اشتباه است اگر چنین کاری شود و سرمایه‌گذاری در این زمینه کنیم.

○ آیا این صحبت شما به این معناست که این نرم‌افزار صرفاً یک نرم‌افزار داخلی و برای ذخیره‌سازی و بازیابی اطلاعات یک کتابخانه هست؟ یا نه با همین نرم‌افزار هم کار انتقال اطلاعات را می‌شود انجام داد؟

● این نرم‌افزار براساس استاندارد CDS طراحی شده و CDS چون در کشورهای مختلف نصب است و استفاده می‌شود از نظر انتقال اطلاعات مشکلی نداریم ولی از لحاظ ساختار فایل و ساختار فیلدهای اطلاعاتی ممکن است ما اینجا دچار نقص شویم. ما هم این فیلدها را براساس نیاز کتابخانه‌های بزرگ ایران طراحی کرده‌ایم یعنی کتابخانه ملی و کتابخانه‌های دانشگاه‌های بزرگ و زیر نظر کتابدارها انجام شده ولی

خوب چون کتابدارها و کسانی که با آنها کار می‌کردیم با مارک و این چیزها آشنا نبودند ممکن است بعضی از قسمت‌هایش ایراد داشته باشد یعنی تا صحبت نشود به صورت تیمی و مارک خارجی بررسی نشود و مارکی برای ایران طراحی نکنند صد درصد می‌توان گفت که کارشان نقص دارد و در کار ما هم چون استاندارد وجود نداشته نمی‌توانیم بگوییم بدون نقص است. اگر هرلحظه استاندارد وجود بیاید. امکان انتقال اطلاعات در قالب آن استاندارد خواهد آمد چون این فیلدها همه به تفکیک طراحی شده، قابلیت انتقال در این استانداردها هست و ما یک استاندارد داخلی برای خودمان بوجود آوردیم برای نقل و انتقال بین مراکزی که از نرم‌افزار ما استفاده می‌کنند. اگر استاندارد کشوری بوجود بیاید به راحتی قابل انتقال است و فکر نمی‌کنم ما ۵ درصد خطا برای انتقال اطلاعات به آن استاندارد داشته باشیم.

○ تصور می‌فرمایید که اگر قرار باشد یک استاندارد در این زمینه تدوین شود یعنی ما یک نرم‌افزار ملی داشته باشیم، آیا در تکوین یعنی در روند تدوین این نرم‌افزارهای ملی چه عواملی باید مد نظر مسوولین و دست‌اندرکاران قرار بگیرد، از جمله توجه به نرم‌افزارهایی که در داخل انجام شده. سوال واضح هست؟

● بخت. ○ ببینید، یعنی در واقع آیا از این نرم‌افزارهای داخلی هست که می‌توانیم به یک نرم‌افزار ملی قابل تبادل اطلاعات با بقیه جاها برسیم؟ یا اینکه آن نرم‌افزار ملی مقروض که مد نظر ما هست باید در یک فضای جداگانه‌ای و به دور از تجربیاتی که در ایران شده با همین نرم‌افزارهایی که شما یکی از آنها هستید و بقیه هم کار کرده‌اند باید با توجه به این انجام شود یا در واقع این تجربیات در آن دخالت داشته باشد، یا نه هیچ ارتباطی ندارد و آن نرم‌افزار ملی می‌تواند براساس یک سری پارامترها و استانداردهایی که وجود دارد، تدوین شود و کار خود را انجام دهد؟

● احتمالاً هر دوی آن هست. ببینید شرکت‌هایی که تا حالا کار می‌کردند یک سری فیلدهایی را طراحی کردند، یک سری اطلاعات در این پایگاه‌های اطلاعاتی وارد شده و مراکز از اطلاعات آن استفاده می‌کنند. حالا برای آن تبادل اطلاعات و اساساً آن استانداردها برای تبادل اطلاعات هست که ما پیش می‌گیریم. آن نرم‌افزارها باید یک خروجی استاندارد برای رد و بدل کردن اطلاعات بین هم بوجود بیآورند. یعنی گزینه‌ای را در سیستم بوجود آورند. یعنی هر کاری در حال حاضر انجام می‌دهند به هر ترتیب و روشی که هست باشد، ولی گزینه‌ای را برای خروجی داشته باشند که به صورت استاندارد کشورمان در نظر گرفته‌ایم که بتوانند اطلاعات بگیرند درون یک دیتای بیس دیگری انتقال دهند ولی شرکت‌ها، افراد و موسساتی که ابتدا به ساکن شروع می‌کنند به نرم‌افزار کتابخانه نوشتن، آنها می‌توانند از همان ابتدا فیلدها براساس همان استانداردها در نظر بگیرند. طراحی دیتا بیسشان را براساس همان استاندارد کشور پیش‌بینی کنند. هیچ مشکلی هم بوجود نمی‌آید. شرکت‌هایی هم که از قبل این کار را انجام می‌دادند، آنها هم تمام فیلدها و اساس کارشان را طبق استاندارد بوجود آمده طراحی کنند، منتها یک انتقال اطلاعات را خواهند داشت از روش قبلی به روش جدید هیچ تفاوتی ندارد.

البته این کار اگر انجام شود برای کسانی که جدیداً شروع می‌کنند خیلی راحت‌تر است. ما خیلی وقت‌مان صرف این شد که برای خودمان استاندارد در نظر بگیریم. استاندارد که باید خودمان تدوین می‌کردیم. ولی خوب آنها راحت هستند. دنتامتر را می‌گیرند و می‌گویند استاندارد این هست و باید این طور حرکت کنیم و راحت استفاده می‌کنند. بله یعنی مشکل بوجود آوردن استاندارد است. ما همین کاری که کردیم، استاندارد برای خودمان بوجود آوردیم، خوب برای اینکه این استاندارد بوجود بیاید خیلی کار کردیم و



خیلی وقت صرف کردیم، خیلی اطلاعات را جایجا کردیم. بعضی وقت‌ها ما مجبور بودیم که ساختار کار و برنامه‌مان را عوض کنیم بدون اینکه کسی که از نرم‌افزار استفاده می‌کند نفهمد که ما چه کار کرده‌ایم. ما این کار را انجام می‌دادیم، فایده‌هایمان را تغییر می‌دادیم، ساختار کار، ذخیره و بازیابی را عوض می‌کردیم و اطلاعات آنها را به این ساختار جدید تبدیل می‌کردیم و اصلاً آنها متوجه نمی‌شدند، روند کارشان همان بود منتها ما پشت پرده راهی دیگری را انتخاب می‌کردیم و کارمان را بهینه‌سازی می‌کردیم. خوب اگر واقعاً استانداردی از اول وجود داشت، ما اینقدر دوباره کاری نمی‌کردیم و وقت‌مان را تلف نمی‌کردیم و اگر شرکتی جدید این کار را شروع کند، این مشکلات را نخواهد داشت.

● بحث استاندارد که الان مطرح هست، به نظر می‌رسد نیاز هست که سه مقوله مختلف را در، استاندارد ایجاد کنیم. یک مقوله: قواعد کتابداری هست یا قواعد آرشیو کردن - یک بخش قواعد یا استانداردهای رسم‌الخط می‌باشد در مورد زبان فارسی و رسم‌الخط فارسی و یک بخش هم که باز ممکن است به نوعی به مسئله فارسی برگردد استانداردهایی می‌باشد که مربوط به خود سیستم کامپیوتر است. مثل کاراکتر سیستم که آیا این انطباق دارد یا شرایط ویژه، و یا کارهایی که ما در صدد انجام آن هستیم. اگر امکان دارد در مورد این سه مقوله مختلف و استانداردسازی در این سه مقوله و وضعیتی که الان وجود دارد صحبت کنید. مثلاً فرض بفرمایید که شما در زمینه قواعد کتابداری ممکن است بفرمایید که استانداردهای لازم وجود دارد و ما مشکلی از نظر قواعد کتابداری نداریم و همه چیز برای ما مشخص است، یا اینکه نه بفرمایید که در این زمینه هم خیلی جاها سؤال و ابهام داریم و هنوز جواب مشخصی به عنوان کسی که باید این قواعد را به کار گیرد و در کار نرم‌افزار دخالت دهد نداریم. در مورد رسم‌الخط فارسی به همین شکل، بخش‌هایی هم که مربوط به خود سیستم کامپیوتر هست و از تباطی به برنامه کتابداری یا برنامه‌های دیگر ندارد و ممکن است در هر برنامه‌ای خودش را نشان دهد، همینطور در مورد این سه مقوله صحبت بفرمایید و توضیح دهید.

● راجع به کاراکتر ست خوب مشکل هست ولی نه آنطور حاد، چون موقعی که کامپیوتر به ایران آمد هنوز کاراکتر ست استانداردسازی نشده بود و هر کسی کاراکتر ست خودش را استفاده می‌کرد ولی بعد از مدتی شورای عالی انفورماتیک کاراکتر ست به خصوصی را پیشنهاد داد.

منتها هر شرکتی که با کاراکتر ست اولیه کار می‌کرد همان را ادامه داد و کسی کاراکتر ست شورای عالی انفورماتیک را استفاده نکرد. چون اگر استفاده می‌شد کار جلوتر بود از لحاظ انتقال اطلاعاتی و این کاراکتر ست‌ها را نباید تبدیل می‌کردیم. منتها باز کار مشکلی نیست، یک برنامه خیلی کوچکی است که کاراکتر ست‌های قبلی را به کاراکتر ست دیگری تبدیل می‌کند و استفاده می‌شود. رسم‌الخط مشکلیش وجود دارد و کسی کار نکرده و این هم از آن مشکلاتی است که ما فکر می‌کنیم یک مرکزی که واقعاً معتبر است حالا باز هم می‌شود کتابخانه ملی یا مراکز دیگر را نام برد، باید روی

مشکل پیاده‌سازی کار فارسی توی کامپیوتر کار کنند و این مسئله را حل کنند.

○ آیا نهادی مثل فرهنگستان نباید این کار را انجام دهد.

● یک جایی به هر صورت دولتی. یعنی یک تیم و تشکیلاتی که صاحب نظر باشند و مشکلاتی هست که اگر من بخواهم آنها را نام ببرم. همانطور که قبلاً خدمتتان گفته شد از لحاظ سورتی - چیدن اطلاعات.

○ اگر به اینها اشاره شود بد نیست در حد کلی، به مسائل و مشکلاتی که شما در حوزه رسم‌الخط دارید.

● مثلاً ما در سورت اگر داشته باشیم ۲، از راست می‌نویسد ۲ الف ۳ الف، من اگر بخواهم این را سورت کنم نمی‌دانم این را از طرف راست سورت کنم یا از طرف چپ. یا اگر از طرف چپ سورت کنم معمولاً باید روی الف سوم کاراکتر سورت شود چون الف اینجا مد نظر است ولی کامپیوتر روی ف سورت می‌کند و ما نمی‌دانیم واقعاً باید چه کار بکنیم و در جایی که می‌خواهیم روی صفحه نمایش دهیم نمی‌دانیم طرف راست صفحه بیاوریم یعنی به صورت یک عبارت فارسی بیاوریم یا سمت چپ صفحه بیاوریم. اگر من بخواهم این را روی ۲ سورت کنم باید سمت چپ صفحه بیاورم، چون همیشه ما اعداد را از سمت چپ روی صفحه می‌چینیم و حروف را از سمت راست می‌چینیم. از این عبارات زیاد است و ما نمی‌دانیم این را به چه صورتی سورت کنیم. حتی موقع نوشتن اطلاعات، ما بعضی اوقات در فارسی می‌توانیم حروف را بکشیم، آیا باید بکشیم یا نباید بکشیم؟ یا یکسان‌سازی مثلاً وقتی ما داریم استفاده می‌کنیم، مثل آسیب‌ها، اصلاً توی سرچ این هیچ مشکلی بوجود نمی‌آورد، آسیبها را چه بچسبانید چه جدا بنویسید این سرچ می‌شود ولی از لحاظ دیدن اطلاعات و یکدستی اطلاعات و زیر هم نشستن اطلاعات، ما می‌دانیم در کامپیوتر باید اینها را تعریف کنیم که آیا باید بچسبند و یا نباید بچسبند؟ روانشناسی آیا ن به ش

باید بچسبند یا نباید بچسبند؟ از لحاظ سرچ مشکلی وجود ندارد ولی از لحاظ رسم‌الخط اینها باید در کامپیوتر تعریفی خاص داشته باشند.

○ یعنی در واقع می‌شود مشکل را به این شکل تبیین

کرد که به دلیل اینکه ما در خط فارسی، هم راست‌نویسی داریم و هم چپ‌نویسی، یعنی چپ‌نویسی به خاطر اعداد و راست‌نویسی به خاطر حروف و کلمات، یعنی می‌شود گفت که منشاء مشکل همین است؟

● بله. دقیقاً همینطور است. یعنی اگر ما از طرف راست همه چیز را می‌نوشتیم باز مشکلی نبود ولی چون حروف را از راست می‌نویسیم و اعداد را از سمت چپ و در جایی لاتین هم دخیل می‌شود و آن از چپ به راست است، مشکل پیدا می‌کنیم و نمی‌دانیم این عبارتی که میکس است و هم عدد فارسی دارد و هم حرف فارسی دارد و هم عدد و حرف لاتین دارد به چه صورت و از کدام طرف ما این را سورت کنیم یعنی واقعاً بستگی دارد به ماهیت آن اطلاعات و نمی‌توانیم هر نوع اطلاعاتی که فارسی و لاتین داشت یک جور سورت کنیم ماهیت آن فرق دارد.

○ الان با این مشکل به چه صورت کنار آمده‌اید؟

● ما دقیقاً فیلدهایمان را می‌شناسیم و روی خود فیلد این کار را انجام می‌دهیم یعنی برای مثال فیلد عنوان با فیلد رده سورتش فرق دارد یا فیلد موضوع فرق دارد. مثلاً در فیلد موضوع ما باید حتماً دَش را در سورت بیاوریم ولی در فیلدهای دیگر دَش را در سورت نمی‌آوریم. کاما در فیلد موضوع در سورت می‌آید ولی در فیلدهای دیگر نمی‌آید یعنی ما باید دقیقاً بدانیم که چگونه این کار را انجام می‌دهیم و همانجا حتی الامکان روی فیلد انجام دهیم وگرنه در غیراینصورت اگر ندانیم که چگونه این کار را انجام می‌دهیم، سورت‌مان غلط در می‌آید. قواعد کتابداری هم ما در ارتباط با کتاب چون با کتابخانه ملی کار کرده‌ایم مشکل زیاد نداریم ولی با مدارک غیرکتابی مشکل داریم. مثلاً ما چندی پیش

برای اینکه بتوانیم کار برگه استانداردها را طراحی کنیم مشکل داشتیم و مجبور شدیم جلسه‌ای در اینجا ترتیب دهیم و از کتابدارهایی که توی این زمینه کار کرده بودند دعوت کنیم که برای ورود و خروجی استاندارد، کاربرگه‌ای طراحی کنند و خروجی آن را هم اعلام کنند که چگونه است؟ و مجبور شدیم ما این کار را انجام دهیم و توقع داشتیم که مراکز دیگر این کار را انجام دهند و ما از تجربیات آنها استفاده کنیم - الان هم نمی‌شود گفت که استانداردسازی شده یعنی چند نفر آمدند، صحبت‌هایی کرده‌اند و پیشنهادهای داده‌اند و ما روی کامپیوتر پیاده کرده‌ایم ولی ممکن است کسی از راه برسد و بگوید این کار اشتباه است و چرا به این شکل کار کرده‌اید؟ و باید به این شکل انجام می‌شده و ما هم حرفی نداریم که بزنییم چون ما نظر آنها را پیاده کرده‌ایم و یک منبع معتبری نبوده که این کار را بکنند. از این نظر در ارتباط با مدارک غیرکتابی ما هنوز مشکل داریم و منبع خاصی نداریم که بتوانیم از آن استفاده کنیم.

○ آیا شما در برخورد با جامعه استفاده‌کننده از این نرم‌افزار، مواجه شده‌اید با توقعاتی که دارند؟ بعضاً نشان

می‌دهد که توقعات معقولی است؟ و آیا تا چه حد نشان می‌دهد خود کاربران واقف هستند دقیقاً به آن چیزی که می‌خواهند؟ در مقابل مشتری‌های مختلفی که داشته‌اید در این مورد چه برداشتی کرده‌اید؟ حالا اعم از اینکه از شما خرید و استفاده کرده باشند و یا اینکه خیر تازه اقدام برای خرید کرده باشند.

● افرادی که کاردستی را انجام داده‌اند و کاردستی را به خوبی می‌دانند و به نیاز خود واقف هستند، توانایی‌های نرم‌افزار و کامپیوتر را می‌دانند و می‌توانند خودشان را با شرایط وفق دهند و به آنچه می‌خواهند برسند. مشکل استفاده‌کننده‌هایی هستند که کاردستی را کم انجام داده‌اند، خوب انجام ندادند و اشراف ندارند، همه امکاناتی را که فرض می‌کنند و در ذهنشان می‌آید از یک نرم‌افزار انتظار دارند، من امروز جایی بودم که از این نرم‌افزار توقع کارهای مدیریتی MIS داشت و می‌گفت من می‌خواهم وقتی رئیس من می‌رسد کتاب‌های شیمی سال ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ چند عدد خریداری کرده‌ای؟ بلافاصله بتوانم جواب دهم، خوب این نرم‌افزار، نرم‌افزار مدیریتی یا سفارشات نیست، این نرم‌افزار یک نرم‌افزار ذخیره و بازیابی هست که اطلاعاتی که در آن ذخیره می‌کنیم، بازیابی کنیم، حالا آن کار مدیریتی را هم به نوعی می‌توانیم از طریق سرچ انجام دهیم ولی ایشان با یک کلید می‌خواست این کار را انجام دهد، مشکل آگاهی کاربران نسبت به امکانات یک نرم‌افزار می‌باشد. اگر بدانند می‌توانند به راحتی به مقصودشان برسند و اگر ندانند توقعات زیاد هست.

○ فرمایش شما من به این شکل استنباط کردم که به هرحال کامپیوتر به عنوان یک رسانه مطرح و یک رسانه‌ای که امکانات زیادی دارد و تحول آفرین هست وارد عرصه‌ای می‌شود، حالا هر عرصه‌ای، ولی در اینجا بحث ما در عرصه کتابداری می‌باشد. به نظر می‌رسد نیازمند آموزش متخصصین آن رشته یا در واقع تحصیلکرده‌های آن رشته برای این تحول جدید هستیم. یعنی ما نیازمند هستیم که

این تحول جدید شناخته شود و از جمله نحوه کار با این نرم‌افزارها و توانایی‌های این نرم‌افزارها و در نهایت داشتن یک تصویر واقعی از کامپیوتر. یعنی نه انقدر ناآشنا که حتی کوچکترین کارهای ساده را هم فکر کنیم باید خودمان انجام دهیم و کامپیوتر از ش بر نمی‌آید و نه انقدر اغراق‌آمیز که فکر کنیم که کامپیوتر همه کاری باید برآید انجام دهد. آیا ضرورت آموزش افرادی را که در این حوزه کار می‌کنند در حال حاضر احساس کرده‌اید؟

● دقیقاً، بارها و بارها خود بنده این نکته را در شرکت تذکر دادم و خواستار برگزاری کلاس‌های کوتاه مدت در دفعات مختلف شده‌ام. منتها به جهت مشکلات مختلف نتوانستیم به این قضیه برسیم. چون برگزاری کلاس جا و فضا و امکانات می‌خواهد که اینها از مشکلاتی بوده که ما نتوانستیم کلاسی برگزار کنیم. مشکل ما همین بوده. افرادی که زنگ می‌زنند و سؤال و مشکلی دارند، دقیقاً فقط ناآگاهی و عدم اشرافشان به امکانات مختلف نرم‌افزار می‌باشد.

بستگی به شور و شوق آن طرف دارد. مثلاً ما یک کلمه می‌گوییم، خودشان ده کلمه جلو می‌روند. بعضی‌ها خیر. روز چهارشنبه همکار ما جایی رفته‌اند و کار کرده‌اند، روز شنبه باز طرف زنگ زده و می‌گوید چون یک روز فاصله افتاده من مطالب را فراموش کرده‌ام. جایی هست که ۴ سال پیش برنامه را نصب کرده‌ام و توضیح داده‌ام و همین الان هم که می‌روم یک سؤال قدماتی از من می‌کند. این به طرفی که کار می‌کند بستگی دارد. جای دیگر هم نصب می‌کنیم و بعد از یک ماه می‌بینیم خود طرف کلی کار کرده است، خودش کار کرده به مشکلات برخورد کرده و نوشته من به مرکزی می‌رفتم، هرگاه مراجعه می‌کردم آن طرف ۴ صفحه دفتر سر رسیدش را سیاه می‌کرد و می‌نوشت. این نشان می‌داد کار کرده است. جستجو و پرسش می‌کرد، کار جدید می‌خواست و ما انجام می‌دادیم و همین مسائل باعث می‌شد که برنامه ما تکامل پیدا کند. ما واقعاً اینطور استفاده‌کننده‌ها را بیشتر دوست داریم و علاقه داریم همه اینطوری باشند تا اینکه اهمیت به کار ندهند و یا هنگام توضیح دادن حواسشان جای دیگری باشد. یا اینکه اصلاً کار نکنند. مثلاً مرکزی هست که روزی یکی و نصفی رکورد می‌زند ولی جای دیگر روزی ۱۰۰ تا رکورد می‌زند و این همه به علاقه و اشتیاق فرد بستگی دارد.

○ حالا که بحث آموزش مطرح شد، به هرحال من فکر می‌کنم آموزش این قضیه یعنی ورود کامپیوتر در کار کتابداری و آرشیو، باید یک آموزش سازمان یافته و در سطح کشور باشد و به تنهایی شرکتی مثل شرکت شما احتمالاً با تلاش خیلی زیادی خواهد، توانست فقط در محدوده مشخص نرم‌افزار شما که طرف بتواند به کار گیرد و در محلی که هست از آن استفاده کند. ولی به نظر می‌رسد آموزش قراتر از اینها مورد نیاز است یعنی اینکه اصلاً ما در برخورد با کامپیوتر در این حوزه بدانیم که هم این پدیده را بشناسیم و به عنوان یک تکنولوژی جدید و بعد ببینیم که به طور کلی می‌توانیم چه استفاده‌هایی از آن بکنیم. اینها عام است. یعنی عام‌تر از استفاده از مثلاً نرم‌افزاری مثل نرم‌افزار پارس آفرخس است. آیا در این زمینه رسالتی برای

دانشگاه‌های ما که فارغ‌التحصیل کتابداری تحویل می‌دهند به جامعه قائل هستید و اگر هستید انجام آموزش‌های این‌چنینی را در وضعیت فعلی دانشگاه‌ها چگونه ارزیابی می‌کنید؟

● این موردی که شما می‌فرمایید بیشتر در مورد فارغ‌التحصیلان سالهای قبل از ورود کامپیوتر به ایران مطرح است. فارغ‌التحصیلان قدیمی با کامپیوتر آشنایی ندارند ولی فارغ‌التحصیلان جدید رشته کتابداری بیشتر با کامپیوتر آشنایی دارند. با کامپیوتر با بانک‌های اطلاعاتی کار کرده‌اند و آشنا هستند. به

قطعاً چنین رسالتی بر عهده دانشگاه‌ها هست. دانشگاه‌ها باید واحدهای بیشتری را برای رشته کتابداری در زمینه کامپیوتر در نظر بگیرند. آموزش استفاده از بانک‌های مختلف اطلاعاتی، بانک‌های خارجی، سی‌دی‌های مختلف، ارتباط با شبکه‌های مختلف. میزان واحدهایی که در حال حاضر ارائه می‌شود کم هست. می‌تواند که واحدهای بیشتری اختصاص داده شود. خصوصاً کتابداران که امروزه بانک‌های اطلاعاتی بخشی از ابزار دست آنها می‌باشد.

○ تصدی هر شغل در سیستم‌های اداری، حالا فرق نمی‌کند چه سیستم‌های دولتی و چه غیردولتی یک شرایط و ملزوماتی را همراه خود دارد. به عنوان مثال ما فردی را می‌خواهیم مسؤول آزمایشگاه بکنیم این باید یک سلسله تخصص‌ها، دانش‌ها و تجربه‌هایی را کسب کرده باشد که بتواند در آن محل به کار بپردازد و متصدی آن شغل شود. در حوزه کاربرد کامپیوتر در کتابخانه به نظر می‌رسد که این طبقه‌بندی انجام نشده و در واقع ما پیش نیازها و ملزوماتی را که یک کتابدار باید بداند تا بتواند به عنوان مثال با این نرم‌افزار کار کند. به نظر می‌رسد که این را ما نداریم. حال اینکه باید این کار را دانشگاه بکند یا خود شرکت باید بکند و یا سازمانی که می‌خواهد کامپیوتر را به کار گیرد یا این نرم‌افزار را به کار بگیرد، اینها بحث بعدی است. ولی به هرحال این پیش نیازها به نظر می‌رسد که در مورد به‌کارگیری این نرم‌افزارها در کتابخانه‌ها تعریف نشده و بنابراین وقتی این نرم‌افزار در کتابخانه‌ای می‌رود ابتدا به ساکن فکر می‌کنند هرکسی باید بتواند از این نرم‌افزارها استفاده کند و طبعاً کسی که آن پیش نیازها را طی نکرده در اولین برخورد دچار مشکلات زیادی خواهد شد و این هم کار شما را مشکل می‌کند به عنوان عرضه‌کنندگان این محصولات و هم کار کتابخانه را دچار مشکل می‌کند. به عنوان مثال کسی که می‌خواهد با این نرم‌افزار کار کند باید داس را گذرانده باشد. یا حالا مثلاً ویندوز را گذرانده باشد، لااقل ویندوز ۳/۱ را گذرانده باشد، یا چیزهایی شبیه به این. البته من متخصص در این زمینه نیستم، شما بهتر می‌دانید. شما توضیح بفرمایید اگر نظری در این قضیه دارید، یک کسی، یک موسسه‌ای یا آرشیو و کتابخانه‌ای که می‌خواهد این نرم‌افزار یا نرم‌افزارهای مشابه را به کار بگیرد این مستلزم این است که یک پیش نیازهایی را گذرانده باشد.

● کامپیوتر چون دیر وارد مقوله کتابداری شد، طبعاً این اتفاق هم دیرتر افتاده است که برای استخدام کتابدار به مسئله تخصص کامپیوتر توجه شود ولی این اتفاق قطعاً رخ خواهد داد. به جهت اینکه نرم‌افزارها قدرتمند می‌شوند، شاید روزی ۷، ۸ نرم‌افزار بوده است

ولی امروز رسیده است به یکی، دو تا و در آینده هر چه جلوتر می‌رویم به علت تخصصی‌تر شدن محدودتر می‌شود امروز وقتی می‌خواهند نقشه برداری را استخدام کنند، حتماً نقشه برداری را استخدام می‌کنند که گد بدانند، اگر ندانند به دردشان نمی‌خورد. قطعاً این اتفاق در

کتابخانه‌ها هم خواهد افتاد و حتماً باید کتابدارها شیوه استفاده از یکی، دو تا نرم‌افزار موجود در بازار را بدانند چون در هر کتابخانه‌ای که مراجعه کنند حتماً این نرم‌افزارها هستند و در کتابخانه‌هایی هم که تا به حال کامپیوتری نشده‌اند تا چند سال آینده خواهند شد.

○ آیا در این زمینه شما ارتباط یا همکاری با دانشگاه داشته‌اید؟

● خیلی کم. این را در دوره‌های فوق لیسانس به راحتی می‌شود برگزار کرد در دوره لیسانس به عنوان کارورزی می‌توانیم این کار را انجام دهیم. واحدهایی را دانشگاه به دانشجوی معرفی کنند. بیایند آموزش ببینند و یکی، دو واحد کارورزی خود را اینجا نمره بگیرند، چرا ما در این زمینه می‌توانیم فعال باشیم. هم دانشجویها یاد بگیرند و هم این نفع را برای ما دارد که نرم‌افزارمان شناخته می‌شود. کار ما هم از جهت کارهای آموزشی بعد خیلی سبک‌تر و راحت‌تر می‌شود. البته یک مسئله‌ای هست که خود اساتید البته ته همه آنها، هنگامی که تحصیل می‌کردند یا شروع به تدریس می‌کرده‌اند کامپیوتر نبوده است، بانک‌های اطلاعاتی نبوده و با آن سیستم جلو آمده‌اند و حالا مقداری برای آنها مشکل است و آنها هستند که دوری می‌کنند و طبعاً باعث می‌شوند دانشجویان هم از این عرصه دور بمانند و به نظر من خود اساتید هم باید در دوره‌هایی شرکت کنند و خودشان را به روز برسانند.

○ یعنی در واقع شما در حال حاضر اعلام آمادگی می‌فرمایید برای این که دانشجویانی را حداقل به عنوان کارورز در موسسه خود بپذیرید و در این مورد آموزش‌های لازم را بدهید.

● بله. ما حتی به مدیران گروه پیشنهاد در این مورد داده‌ایم. ولی تا به حال یکی، دو دوره در دانشکده علوم تربیتی از ما خواسته‌اند به عنوان توضیح و نمایش این نرم‌افزار اقدام کنیم و همکاران ما این کار را انجام داده‌اند.

گزارشی از کتابخانه عمومی شهرستان آران و بیدگل

● حسن شاهزاده آرانی

کارشناس کتابداری و اطلاع‌رسانی

شهرستان آران و بیدگل با جمعیتی حدود ۸۰ هزار نفر با دو بخش مرکزی و کویرات و سه دهستان و بیست و هشت روستا در شمالی‌ترین نقطه استان اصفهان واقع شده است.

این شهرستان با وسعت ۶۰۵۱ کیلومترمربع از شمال به دریاچه نمک و استانهای سمنان و قم و از غرب به شهرستان کاشان و از جنوب به نطنز و از شرق به اردستان محدود و از طریق دو جاده اصلی به کاشان و شبکه راههای اصلی مرتبط می‌شود.

آب و هوای این منطقه، گرم و خشک با تابستانهای گرم و سوزان و زمستانهای سرد و خشک است. کشاورزی آران و بیدگل بعلاوه شرایط نامساعد خاک و کمبود آب، رونق چندانی نداشته و بویژه با خشک شدن قناتهای منطقه اکثر اهالی به قالی بافی روی آورده‌اند، بطوریکه بر اساس سرشماری سال ۷۰ تعداد دارهای قالی این شهرستان بیش از ده هزار دستگاه بوده است. زبان مردم این شهرستان فارسی رایج است، اما دارای لهجه‌های متفاوتی هستند و زبان محلی آران و بیدگل در زمره زبانهای پهلوی قدیم به شمار می‌رود.

بدون تردید یکی از محل‌هایی که بین انسان و دانش پیوندی استوار برقرار می‌کند کتابخانه است. و هر چه که می‌گذرد این واقعیت ملموس‌تر و محسوس‌تر می‌شود. کتابخانه شاید تنها جایی است که بی هیچ منت و با کمال سخاوت همه را به حضور می‌پذیرد و هستی و هر آنچه که دارد در اختیار می‌گذارد. همین خاصیت و ویژگی این نهاد است که آنرا منشأ و باعث رشد و بالندگی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و مایه بسط دانش و معرفت قرار داده است و همین عامل توجه و عنایت روزافزون کشورهای پیشرفته به این نهاد اجتماعی را توجیه کرده و کاملاً با صرفه و منطقی جلوه می‌دهد.

کتابخانه عمومی شهرستان آران و بیدگل در سال ۱۳۵۲ توسط وزارت فرهنگ و هنر وقت، در مکانی که بیشتر به مغازه‌های شبیه بود، تأسیس شد. این کتابخانه در سال ۱۳۷۵ توسط اداره ارشاد شهرستان در مکانی که به همین خاطر بنا شده بود، حیات جدید خود را آغاز کرد. مساحت کنونی این کتابخانه ۱۴۰۰ مترمربع است که ۸۰۰ مترمربع آنرا زیربنای کتابخانه تشکیل می‌دهد این کتابخانه در حدود ۱۷۰۰۰ جلد کتاب دارد که موضوع اکثر این کتب موضوعات دینی و مذهبی است. از نظر کتب علمی و هنری این کتابخانه بسیار ضعیف است، ولی در مورد کتب تاریخی و ادبی وضعیت بهتری را